

تراژدی ونزوئلا

مایکل رابرتز

ترجمه‌ی احمد سیف



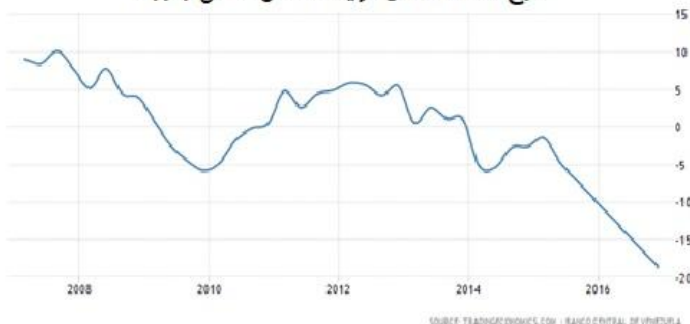
شماره: مقاله‌ی زیر پیش از بحران اخیر ونزوئلا نوشته شده است اما به‌خوبی ریشه‌های بحران اقتصادی ونزوئلا و دلایل نارضایتی کارگران و مردم از دولت مادورو را تبیین می‌کند. مایکل رابرتز در این مقاله براساس مجموعه‌ی متنوعی از داده‌ها از منابع مختلف نشان می‌دهد هم دولت چاوز و هم دولت مادورو تمام تکیه‌شان بر درآمدهای هنگفت نفتی بود تا با استفاده از آن از فقر بکاهند در حالی که در دگرگون کردن اقتصاد با در پیش گرفتن سرمایه‌گذاری‌های مولد، مالکیت عمومی، و برنامه‌ریزی موفق نبودند. در ادامه، مجموعه‌ای از سیاست‌های نادرست به همراه تحریم‌های امپریالیستی فاجعه‌ی امروز ونزوئلا را رقم زد.

هم‌زمان با کوشش دولت مادورو برای جایگزینی مجلس ملی به‌عنوان رقیب و یا حتی جانشین کنگره‌ی ونزوئلا و دستگیری رهبران مخالفان که مدافع سرمایه‌داری‌اند، وضعیت ناهنجار اقتصادی و اجتماعی در کشور بسیار بدتر شده است.

براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول [تولید ناخالص داخلی ونزوئلا](#) در ۲۰۱۷ درمقایسه با سال ۲۰۱۳، ۳۵ درصد کاهش یافته و میزان کاهش در تولید ناخالص داخلی امریکا در طول ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ در دوره‌ی رکود بزرگ که ۲۸٪ برآورد شده است بیش‌تر است. از سقوط تولید ناخالص داخلی روسیه در طول ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ و کوبا در طول ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ و آلبانی ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ هم اندکی بیش‌تر ولی کم‌تر از سقوطی است که در دیگر کشورهای در حال گذار اتحاد جماهیر شوروی، برای نمونه گرجستان، تاجیکستان، آذربایجان، ارمنستان و اوکراین یا کشورهای جنگ‌زده مثل لیبیا در ۱۹۹۳، لیبی در

۲۰۱۱، رواندا در ۱۹۹۴ و ایران در ۱۹۸۱ و یا حتی تازه‌ترین نمونه یعنی سودان جنوبی شاهد بوده‌ایم.

نرخ رشد سالانه‌ی تولید ناخالص داخلی ونزوئلا



به این ترتیب، بر این اساس به گفته‌ی [ریکاردو هاوسمن، اقتصاددان ارشد پیشین بانک توسعه‌ی بین‌المللی امریکا](#) فاجعه‌ی اقتصادی ونزوئلا از هر آنچه در تاریخ امریکا، اروپای غربی و بقیه‌ی کشورهای امریکای لاتین پیش آمده وخیم‌تر است.

در ۲۰۱۳ در [مقاله‌ای](#) نوشتم که دست‌آوردهای 'انقلاب بولیواری' چاوز به‌طور جدی به مخاطره افتاده است. چاوز با افزودن بر مزدها، خدمات اجتماعی، و کاستن از نابرابری‌ها شرایط زندگی فقیرترین بخش جمعیت را بهبود بخشیده بود. ولی این بهبودها تنها در محدوده‌ی یک اقتصاد سرمایه‌داری اتفاق افتاد که دولت در زمانی که قیمت جهانی نفت در سطح بسیاربالایی بود با استفاده از درآمدهای نفتی دست به این کار زد. ولی بهای نفت مدتی است که روند نزولی پیدا کرده و حتی در طول دو سال گذشته تقریباً نصف شده است.

صادرات سرانه‌ی نفت در فاصله‌ی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ حدود ۲۲۰۰ دلار کاهش یافت و ۱۵۰۰ دلار از این کاهش در نتیجه‌ی کاهش بهای جهانی نفت بود. دولت مادورو کوشید با وام‌ستانی هنگفت از خارجی‌ها سطح زندگی مردم را

حفظ کند. ونزوئلا در حال حاضر بدهکارترین اقتصاد در جهان است. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی و یا نسبت به صادرات و یا هزینه‌ی تأمین مالی بدهی‌ها به نسبت درآمدهای صادراتی در ونزوئلا از همه‌ی کشورهای جهان بیش‌تر است.

تراز تجاری ونزوئلا



دولت برای افزودن بر درآمدهای دلاری خود به کاهش ارزش پول ملی دست زد که نتیجه‌اش تنها تورم افسارگسیخته و کاهش میزان مزد واقعی شد. در عین حال دولت تصمیم گرفت که همه‌ی بدهی خارجی خود را بازپرداخت کند و برای این کار کوشید از واردات بکاهد. در نتیجه در طول ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ واردات سرانه‌ی کالاها و خدمات به بهای واقعی و تورم‌زدایی شده ۷۵ درصد کاهش یافت. در ۲۰۱۷ شاهد کاهش بیش‌تر آن بودیم. این میزان سقوط تنها با آنچه در مغولستان در ۱۹۸۸-۱۹۹۲ و در نیجریه در ۱۹۸۲-۱۹۸۶ اتفاق افتاد قابل‌مقایسه است. چنین سقوطی به غیر از این دو کشور با هیچ سقوطی از ۱۹۶۰ به این سو در هیچ کشوری اتفاق نیفتاده است. نتیجه‌ی این وضعیت سقوط بیش‌تر در تولیدات کشاورزی و صنعتی بود که میزانش از سقوط تولید ناخالص داخلی هم بیش‌تر بود و پی‌آمدش کاهش ۱۰۰۰ دلار سرانه از کالاهای تولید داخلی بود.

در فاصله‌ی ماه مه ۲۰۱۲ تا مه ۲۰۱۷، میزان حداقل مزد - که در واقع در ونزوئلا میزان متوسط مزد هم هست چون شمار بزرگی از کارگران در این دسته جا می‌گیرند - به قیمت ثابت ۷۵ درصد کاهش یافته است. اگر براساس ارزان‌ترین منابع کالری که در دسترس است محاسبه کنیم، میزان حداقل مزد به بیان کالری از ۵۲۸۵۴ کالری روزانه به صرفاً ۷۰۰۵ کالری روزانه سقوط کرده است، یعنی با کاهشی معادل ۸۶,۷٪. روبرو هستیم که برای تأمین غذای موردنیاز یک خانوار ۵ نفره ناکافی است، آن هم اگر فرض کنیم که تمام درآمد صرف خرید این منابع ارزان کالری می‌شود. با حداقل مزد شهروندان ونزوئلایی تنها می‌توانند یک پنجم غذای موردنیازی را که فقیرترین بخش جمعیت کلمبیا قادر به خرید آن هستند تهیه کنند.

براساس [پژوهشی](#) که در سه دانشگاه معتبر ونزوئلایی صورت گرفته، فقر درآمدی که در سال ۲۰۱۴ معادل ۴۸٪ بود در ۲۰۱۶ به ۸۳٪ افزایش یافته است. همین پژوهش هم‌چنین نشان می‌دهد که شهروندان ونزوئلایی به‌طور متوسط ۸,۶ کیلو لاغرتر شده‌اند. ناظران مسائل بهداشتی در ونزوئلا [گزارش](#) کرده‌اند که مرگ‌ومیر بیماران ده برابر افزایش یافته و مرگ‌ومیر اطفال تازه به دنیا آمده هم در بیمارستان ۱۰۰ برابر شده است.

برمبنای پژوهشی که در فاصله‌ی اکتبر تا دسامبر ۲۰۱۶ از سوی کاریتاس ونزوئلا - با همکاری کاریتاس فرانسه و کمیسیون اروپا و کنفدراسیون سوئیس - انجام گرفته شواهد روشنی از سوءتغذیه و کم‌غذایی گسترده در میان کودکان ونزوئلایی وجود دارد. در بعضی مناطق میزانش به حدی است که براساس معیارهای بین‌المللی می‌توان آن را یک وضعیت شدیداً بحرانی تعریف کرد. گزارش ادامه می‌دهد «استراتژی‌های غیر قابل‌بازگشت و نامطمئن بقا از دیدگاه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌شناختی گزارش شده است و افزایش مصرف غذاهای خیابانی به‌شدت نگران‌کننده است.» «بر اساس پژوهش انجام

گرفته در ژوئن ۲۰۱۶ در ایالت میراندا، ۸۶٪ کودکان نگران بی‌غذایی هستند. ۵۰٪ نشان گفته‌اند که شب‌ها با شکم گرسنه به خواب می‌روند چون در منزل غذای کافی ندارند.»

اریکا گوارا - رییس سازمان عفو بین‌الملل در امریکا در ژوئن ۲۰۱۶ گزارش کرد «بیمارستان کودکان جی ام - در کنار رودخانه‌ی کاراکاس - که زمانی به‌عنوان یک مؤسسه‌ی بهداشتی برای کودکان در ونزوئلا نماد غرور بود امروز به صورت نماد تراژیک بحرانی درآمده است که این کشور امریکای جنوبی را در بر گرفته است. نیمی از این ساختمان عظیم در حال فروپاشی است، دیوارها در حال فروریزی است، کف اتاق‌ها را آب گرفته است و آن‌چنان منهدم شده‌اند که دیگر قابل‌استفاده نیستند. در میان این خرابه‌ها، صدها کودک بیمار درمان می‌شوند. هم داروهای اساسی و پایه‌ای و هم ابزارهای پزشکی با کمبود جدی روبروست و مادران این کودکان هم خودشان قادر به خرید آن‌ها نیستند.» «صدای گرسنگی» گزارشی که به‌وسیله‌ی تله موندو به رهبری روزنامه نگار ونزوئلایی فرناندو جیرون تهیه شد نشان می‌دهد که کودکان ونزوئلایی با پرندگان بر سر استخوان‌هایی که قصاب‌ها به دور می‌ریزند دعوا می‌کنند (الناسیونال، ۲۸ فوریه ۲۰۱۷).

قبل از روی کارآمدن چاوز اغلب شهروندان ونزوئلایی در نتیجه‌ی دولت‌های راست‌گرای مدافع سرمایه‌داری که برسر کار بودند به‌شدت فقیر بودند. اکنون در دوره‌ی مادورو برای فقرا و بخش غالب طبقه‌ی کارگر ونزوئلا وضعیت دوباره به همان صورت درآمده است. تعجبی ندارد که حمایت از دولت مادورو به‌شدت در حال نزول است و این در حالی است که نیروهای ارتجاعی هرروز قدرتمندتر می‌شوند. درحالی که بخش غالب جمعیت درگیر مبارزه برای گذران زندگی هستند رهبران سیاسی در دولت مادورو در رفاهی مانند طبقه‌ی سرمایه‌دار ونزوئلا و حامیان‌شان زندگی می‌کنند که برای سرنگونی دولت می‌کوشند.

دولت مادورو به طور روزافزونی به جای تکیه بر طبقه‌ی کارگر به حمایت نیروهای نظامی دلخوش کرده است و هوای‌شان را هم دارد. نظامیان می‌توانند از فروشگاه‌های انحصاری (معمولاً در پایگاه‌های نظامی) خرید کنند، به آنها برای خرید اتوموبیل و آپارتمان وام‌های مخصوص می‌دهند و به‌علاوه حقوق و مزدشان هم به‌شدت افزایش یافته است. به آنها هم‌چنین قراردادهای بسیار سودآور داده می‌شود که با بهره‌گیری از کنترل ارزی و یارانه‌ها، بنزینی را که از کشورهای همسایه به بهای ارزان می‌خرند بسیار گران‌تر بفروشند و سودهای کلان ببرند.

همان طور که رولاندو آستوریا در شماری از [نوشته‌های اینترنتی‌اش](#) یادآور شده است نظامیان منافع اقتصادی هنگفتی دارند، زیرا نیروهای ارتش بولیواری ملی FANB هدایت و کنترل بسیاری از شرکت‌ها را در اختیار دارد:

- BANFNAB و AGROFANB دو بانکی که در بخش کشاورزی فعال

است.

- EMILTRA حمل‌ونقل

- EMCOFLANB نظام ارتباطی برای FANB

- TVFANB یک کانال تلویزیونی دیجیتال

- TACNOMAR یک شرکت ترکیبی از تکنولوژی نظامی

- FIMNP یک مؤسسه‌ی سرمایه‌گذاری

- CONSTRUFANB بنگاه مشاور

- CONCORFANB یک بنگاه ترکیبی بولیواری، شرکت آب تیونا،

شرکتی برای تولید آب بطری

- CAMINPEG شرکت بی نام و نشان نظامی که در عرصه های معادن،

نفت و گاز فعالیت دارد.

بسیاری از نخبگان دولت مادورو با استفاده از بحران کوشیدند خود ثروتمندتر شوند. آن‌ها اوراق قرضه‌های دولتی را برای نرخ بازده بالا خریداری می‌کنند و بعد با استفاده از نفوذ خود در دولت جلوی نکول آن‌ها را می‌گیرند و اما هزینه‌اش البته کاهش بیش‌تر سطح زندگی مردم عادی است که باید هزینه‌ی بازپرداخت بدهی‌ها را با مالیات بیش‌تر و عدم بهره‌گیری از درآمدهای نفتی بپردازند. ارزی که برای بازپرداخت این بدهی‌ها کنار گذاشته می‌شود در واقع با کاستن از واردات مواد غذایی، دارو و مواد اولیه‌ی صنعتی تأمین می‌شود.

به این ترتیب در حالی که تظاهرکنندگان ضددولتی با پلیس و نظامی‌ها می‌جنگند دولت مادورو به‌طور روزافزونی اقتدارگرا می‌شود و طبقه‌ی کارگر به‌طور فزاینده‌ای کنار گذاشته می‌شود. برنامه‌ی اقتصادی و اجتماعی مخالفان همان برنامه‌ی سنتی براساس سرمایه‌داری ملی با حمایت امپریالیسم است. یعنی، اصلاح قوانین کار، (گشودن راه برای بهره‌کشی بیش‌تر و اخراج آسان‌تر)، خصوصی‌سازی یا خصوصی‌سازی دوباره‌ی اموال دولتی، مقررات‌زدایی و حذف کنترل سرمایه‌گذاری (تا حداکثر نرخ بهره‌کشی از نیروی کار تضمین شود) و البته که حذف کنترل قیمت‌ها و شناورکردن نرخ ارز. اجرای این برنامه‌ها به‌یقین زیان‌های بیش‌تری متوجه اکثریت جمعیت خواهد کرد. همان‌گونه که

تحریم‌های برنامه‌ریزی شده‌ی امپریالیسم امریکا و کشورهای دست‌نشانده‌اش در منطقه به همین سرانجام خواهد رسید.

به‌راستی چه شد که اهداف ستودنی چاویسم به این صورت در آمد؟ آیا این تراژدی قابل‌اجتناب بود؟ به گمان من اگر انقلاب چاویستی پیش از نیمه‌راه متوقف نمی‌شد، و اقتصاد را عمدتاً در کنترل سرمایه قرار نمی‌داد، پاسخ من به این پرسش مثبت است. در مقابل، هم دولت چاوز و هم دولت مادورو تمام تکیه‌شان بر درآمدهای هنگفت نفتی بود تا با استفاده از آن از فقر بکاهند در حالی که در دگرگون کردن اقتصاد با در پیش گرفتن سرمایه‌گذاری‌های مولد، مالکیت عمومی، و برنامه‌ریزی موفق نبودند. بین ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲ نه‌تنها به دلیل بالارفتن قیمت نفت بلکه به دلیل پرداخت حق‌امتیازهای بیش‌تر از سوی کمپانی‌های چندملیتی دولت ۳۸۳ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت. از این درآمد برای دگرگون کردن بخش‌های تولیدی اقتصاد استفاده نشد. واقعیت دارد که بخشی از آن صرف بهبود سطح زندگی فقیرترین بخش جمعیت شد ولی هیچ برنامه‌ای برای سرمایه‌گذاری و برای رشد وجود نداشت. به سرمایه در ونزوئلا اجازه داده شد که کارش را انجام بدهد و حتی در مواردی کارش را انجام ندهد. در واقع سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی از ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۸ به ۱۴ درصد در ۲۰۱۲ کاهش یافت.

حالا راست‌گرایان مدافع «بازار آزاد» به ما می‌گویند که این نشان می‌دهد که «سوسیالیسم قابلیت اجرایی ندارد و از محدودیت‌های بازار نمی‌توان گریخت». ولی واقعیت این است که تاریخ ده سال گذشته تاریخ شکست «سوسیالیسم» و یا برنامه‌ریزی نیست بلکه در واقع نشان‌گر شکست کوشش برای پایان بخشیدن به کنترل سرمایه در یک اقتصاد ضعیف (و به‌طور روزافزونی منزوی‌شده) سرمایه‌داری بود که تنها یک دارایی - نفت - داشت. درواقع روی مردم و مهارت‌هایشان سرمایه‌گذاری نشد، صنایع تازه ایجاد نشد،

برای پیشبرد تکنولوژی اقدامی صورت نگرفت و آن را به بخش سرمایه‌داری اقتصاد واگذار کرده بودند. این را مقایسه کنید با «سوسیالیسم با خصلت چینی»، که در بزرگ‌ترین کشور و اکنون اقتصاد جهان صورت گرفت. بیش از یک سال پیش در مقاله‌ای بحث کردم که برای نجات اهداف چاویسم «احتمالاً اندکی دیر شده است. نیروهای ارتجاعی هرروز قوی‌تر می‌شوند. به نظر می‌رسد که باید منتظر بمانیم تا ارتش تصمیم بگیرد که تغییر موضع بدهد و در آن صورت چاویست‌ها سرنگون خواهند شد.»

اصل مطلب را به انگلیسی در این پیوند بخوانید:

[The tragedy of Venezuela](#)